



University of Science and Islamic Knowledge
Shahin Faculty of Islamic Sciences

The Challenge of Gender Inequality in Modern Intellectual Discourse: A Study of Contemporary Interpretations of "Men have a degree above them" with a Comparative Exegetical Approach

Mohammad Hassan Shirzad¹ 

Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Mazandaran University, Babolsar, Iran. h.shirzad@umz.ac.ir

Research Article



Abstract

One of the most debated Qur'anic verses that have, in the transition to the modern era, suggested a form of gender inequality between men and women is the verse "Men have a degree above them [women]" (Qur'an 2: 228). Early and medieval exegetes, influenced by narrations attributed to the Companions and their Followers (Tabi'un), believed that this statement indicated the absolute superiority of men over women, either in terms of rights or in a creational sense. These interpretations prevailed until the threshold of the 14th Hijri century. However, as the Muslim world transitioned into the contemporary period and new concerns and questions emerged, the cultural and social conditions were set for a shift away from long-established exegetical traditions and the rise of interpretations that are more justifiable in light of modern circumstances and demands. Therefore, this study aims to focus on the prominent exegeses from both Sunni and Shiite scholars in the contemporary period, exploring new interpretive perspectives on this Qur'anic verse through a comparative approach. The research identifies the theoretical frameworks that have shaped these new interpretative viewpoints, which include: emphasizing the notion of duty over that of rights, highlighting the concept of difference instead of superiority, and replacing the idea of absolute superiority with that of relative superiority.

Keywords: Comparative exegesis, Contemporary interpretation, Gender equality, Gender discrimination, Women in the Qur'an

Received: 2024/03/15 ; Received in revised from: 2024/06/22 ; Accepted: 2024/07/08 ; Published online: 2024/09/20

◆ How to cite: Shirzad, Mohammad Hassan(1403SH): "The Challenge of Gender Inequality in Modern Intellectual Discourse: A Study of Contemporary Interpretations of "Men have a degree above them" with a Comparative Exegetical Approach ", *Comparative Interpretation Studies*, 9(17), P122-145, [10.22034/cs.2024.448791.1404](https://doi.org/10.22034/cs.2024.448791.1404)

©The Author(s). Published by: Department of Qur'anic Exegesis and Sciences



 olomquran.ir

چالش (نا) برابری جنسیتی در گفتمان فکری مدرن؛ بررسی خوانش‌های عصری از «لِّلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ» با رویکرد تفسیر تطبیقی

محمدحسن شیرزاد^{id}

استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. h.shirzad@umz.ac.ir

پژوهشی



چکیده

یکی از بحث‌برانگیزترین گزاره‌های قرآنی که در انتقال به دوره مدرن، نوعی از نابرابری جنسیتی میان مردان و زنان را به اذهان متبادر ساخته، گزاره «لِّلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ» (بقره/۲۲۸) است. عالمان تفسیر در سده‌های متقدم و میانه هجری با اثربخشی از منقولات منتسب به صحابه و تابعان، بر این باور بوده‌اند که مقصود از این گزاره، برتری مطلق مردان بر زنان از حیث حقوقی یا تکوینی است. این خوانش‌ها تا آستانه سده چهاردهم هجری از رواج برخوردار بوده است؛ اما در گذار به دوره معاصر و مطرح شدن مجموعه‌ای از دغدغه‌ها و پرسش‌های نوظهور در جهان اسلام، زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی برای فاصله گرفتن از سنت‌های دیرپای تفسیری و پیدایی خوانش‌های توجیه‌پذیر متناسب با شرایط و اقتضائات دوره مدرن فراهم آمد؛ از این رو، در پژوهش حاضر تلاش می‌شود با تمرکز بر تفاسیر شاخص فریقین در دوره معاصر، دیدگاه‌های جدید تفسیری درباره این گزاره قرآنی، با رویکرد تطبیقی مورد مطالعه قرار گیرد. این پژوهش توانست چارچوب‌های نظری برای شکل‌گیری این دیدگاه‌های جدید تفسیری را از یکدیگر بازشناسد که عبارت‌اند از: برجسته‌سازی انگاره تکلیف به جای حق، برجسته‌سازی انگاره تفاوت به جای برتری و جایگزینی انگاره برتری نسبی به جای برتری مطلق.

کلیدواژه‌ها: تفسیر تطبیقی، تفسیر عصری، برابری جنسیتی، تبعیض جنسیتی، زن در قرآن.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۴/۰۲ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۸ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۶/۳۰

♦ استناد به این مقاله: شیرزاد، محمدحسن (۱۴۰۳): «چالش (نا) برابری جنسیتی در گفتمان فکری مدرن؛ بررسی خوانش‌های عصری از «لِّلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ» با رویکرد تفسیر تطبیقی»، *مطالعات تفسیر تطبیقی*، ۹(۱۷)، ۱۴۵-۱۲۲.

10.22034/csqr.2024.448791.1404

© نویسندگان ناشر: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم



olomquran.ir

۱. مقدمه

بیش از یک سده است که اندیشه «برابری جنسیتی»^۱ که صورت ساخت یافته آن در غرب مدرن پدید آمده است، به جهان اسلام راه یافته و به یک گفتمان فکری - اجتماعی غالب و فراگیر در اکثر جوامع مسلمان بدل شده است. پیروان این اندیشه که عمدتاً وابسته به جریان فکری فمینیسم^۲ هستند، مدعی اند با هدف بهبود و ارتقای جایگاه زنان می کوشند تبعیض ها و نابرابری هایی که در طول سده های متمادی بر زنان مسلمان تحمیل شده است را از میان بردارند (Giddens, ۲۰۰۹: ۶۲۱-۶۲۲).

در این بین، این پرسش مهم در انتقال به دوره معاصر مطرح گردیده است که آیا نابرابری جنسیتی در کشورهای اسلامی، از آموزه های دینی نشئت گرفته یا این نابرابری ها از پاره ای عوامل برون دینی همچون فرهنگ های بومی جوامع مسلمان برخاسته است؟ برای پاسخ به این پرسش، یکی از بهترین شیوه ها بازخوانی آن بخش از آیات قرآنی است که به مسائل مرتبط با زنان می پردازد. مرور بر آیات قرآن کریم گویای آن است که هرچند آیات پُرشماری در مقابله با سنت های جاهلی، به استیفای حقوق ازدست رفته زنان تأکید کرده اند، برخی از تجددگرایان با استناد به مجموعه ای از آیات، آموزه های قرآنی را مردسالارانه و منافی حقوق زنان توصیف کرده و چنین پنداشته اند که دین اسلام در صدد ایجاد یک نظام سلسله مراتبی برای نشان دادن مردان در موقعیتی فرادست نسبت به زنان بوده است (منوچهریان، ۱۳۴۲: ۳۵).

صرف نظر از آیات قرآن کریم، با طیف گسترده ای از برداشت های تفسیری در جهان اسلام مواجهیم که مبتنی بر ارزش داوری های جنسیتی علیه زنان پدید آمده و سهم بسیار بزرگی در ایجاد بدبینی نسبت به آموزه های قرآنی داشته اند؛ از این رو، بایست یکی از مهم ترین کار ویژه های تفسیر پژوهی در دوره معاصر را آسیب شناسی سنت تفسیری در آیات مرتبط با زنان به شمار آورد. در همین راستا، در نوشتار حاضر قصد داریم با رویکرد تفسیر تطبیقی، یکی از آیات بحث برانگیز در این حوزه را به مطالعه بگذاریم.

۲. بیان مسئله

یکی از آیات قرآن کریم که در انتقال به دوره مدرن، نوعی از نابرابری جنسیتی

1. gender equality.
2. Feminism.

میان زنان و مردان را به اذهان متبادر ساخته، آیه «... وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ» (بقره/۲۲۸) است که به زعم برخی، از فرادستی مردان بر زنان سخن رانده است. بنا بر سیاق آیه، خداوند متعال به زنان مطلقه دستور می‌دهد که اگر خواهان ازدواج مجدد هستند، به مدت سه پاکی از عادت ماهیانه انتظار کشند و اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارند، آنچه در زهدانشان از حیض یا جنین آفریده شده است را مخفی ندارند. از سوی دیگر، به مردان گفته شده است تنها در صورتی که خواهان سازش باشند و قصد آسیب‌رسانی به همسرانشان را نداشته باشند، می‌توانند در بازه زمانی عده، زندگی زناشویی را از سر بگیرند. خداوند متعال پس از بیان این احکام، دو آموزه مهم را یادآور می‌شود که همچون شالوده‌ای، به نظام ارتباطی میان زنان و مردان شکل می‌دهد: یکی «لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره/۲۲۸) و دیگری «وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ» (بقره/۲۲۸) که عموم مفسران از گزاره اخیر چنین برداشت کرده‌اند که مردان را بر زنان، نوعی از برتری، اولویت و رجحان است که بایست در نحوه ارتباط میان آنان ملحوظ واقع شود.

آنچه در این بین، بیش از همه جلب توجه می‌کند وجود طیفی از خوانش‌های تفسیری در تاریخ جهان اسلام است که بر مبنای ارزش داوری‌های جنسیتی علیه زنان سامان یافته و بر چالش‌های نوظهور در عصر مدرن افزوده‌اند. برای نمونه، برخی از عالمان تفسیر پا از ظواهر متن فراتر گذاشته و اتصاف زنان به ویژگی‌هایی همچون نقصان عقل و نقصان دین را از اصلی‌ترین عوامل برتری مردان بر زنان اعلام کرده‌اند (میبیدی، ۱۳۷۱: ۶۱۱/۱). برخی دیگر نیز با استناد به این گزاره، مردان را چنان فرادست و مسلط بر زنان تصویر کرده‌اند که گویی ازدواج همچون بردگی است و زنان چونان اسیرانی هستند که توسط مردان به بند کشیده می‌شوند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۴۴۱/۶؛ نظام اعرج، ۱۴۱۶: ۶۲۹/۱؛ ابن عادل، ۱۴۱۹: ۱۲۷/۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۵۲۹/۱؛ برای تحلیل این نظرگاه، ر.ک: Ali, ۲۰۱۰: passim). پیداست این خوانش‌های تفسیری که هیچ نسبت مشخصی با متن آیه (بقره/۲۲۸) ندارند، می‌توانند موجی از بدبینی و احساسات ناخوشایند را نسبت به آموزه‌های قرآنی در پی داشته باشند از سوی دیگر، نباید طیفی از عالمان تفسیر را نادیده گرفت که کوشیده‌اند با آسیب‌شناسی سنت مطالعات تفسیری، خوانش‌هایی توجیه‌پذیر^۱ از آیه متناسب با گفتمان‌های فکری دوره معاصر را عرضه نمایند.

با نظر به اهمیت مفاد این آیه شریفه، در پژوهش حاضر تلاش خواهد شد امکان‌های مختلف تفسیری در این باره بر مبنای روش تفسیر تطبیقی مورد مطالعه قرار گیرد. این مطالعه، زمانی از ارزش بیشتری برخوردار می‌گردد که بتوانیم تغییر رویه مفسران در گذار به دوره معاصر را هرچه دقیق‌تر رصد نماییم؛ از همین رو، آنچه در کانون توجه قرار می‌گیرد نحوه عملکرد صاحبان تفاسیر شاخص و جریان‌ساز در دوره معاصر است که به دلیل تعلق به بوم‌های مختلف اما اثرگذار در تاریخ علوم و فرهنگ اسلامی - همچون مصر، عراق، ایران و لبنان - از موقعیت‌های هرمنوتیکی متفاوتی سر بر آورده‌اند. با ابتدا بر این بخش از پژوهش، خواهیم توانست ضمن بازشناسی میزان اثرپذیری تفاسیر معاصر از سنت مطالعات تفسیری، نوآوری‌های آن‌ها در ارائه خوانش‌های توجیه‌پذیر از آیه متناسب با گفتمان‌های فکری نوظهور را کشف نماییم.

۳. مفاهیم پژوهش

در این نوشتار، شماری از مفاهیم و اصطلاحات به صورت مکرر به کاررفته‌اند که نقشی کلیدی در پیشبرد ایده اصلی این پژوهش ایفا می‌کنند. در این بخش، اشاره‌ای موجز به این مفاهیم صورت می‌گیرد.

جنسیت و برابری جنسیتی: در جامعه‌شناسی، اصطلاح «جنس»^۱ برای اشاره به تفاوت‌های بیولوژیک بین مردان و زنان و اصطلاح «جنسیت»^۲ برای اشاره به ساخت‌های فرهنگی و اجتماعی مردانه و زنانه به کاربرده می‌شود (Giddens, ۲۰۰۹: ۶۰۰-۶۰۱). در این بین، ایده «برابری جنسیتی» در صدد است ساخت‌های فرهنگی و اجتماعی را به گونه‌ای سامان دهد که منجر به پذیرش نقش‌های اجتماعی برابر از سوی مردان و زنان شود (Giddens, ۲۰۰۹: ۶۰۲).

گفتمان فکری مدرن: مقصود از «گفتمان فکری مدرن» در این نوشتار، مجموعه به هم پیوسته از باورها و ارزش‌های شکل گرفته در غرب مدرن است که بنا به دلایل گوناگون - از جمله: حمایت و پشتیبانی دولت‌های غربی، نظام‌های آموزشی و شبکه‌های اجتماعی - از اقتدار و نفوذ در سطح جهانی برخوردار گشته و در نتیجه، اندیشه‌های رقیب در اقصا نقاط عالم را تحت تأثیر قرار داده است. بی‌تردید، «برابری جنسیتی» یکی از همین باورهای مدرن است که فراتر از یک فکر مدرن، به یک گفتمان فکری مدرن بدل شده است (Giddens, ۲۰۰۹: ۶۲۱-۶۲۲).

1. Sex.

2. Gender.

(۶۲۲)؛ به گونه‌ای که می‌تواند دیگر اندیشه‌ها را به چالش کشد و آن‌ها را در مقام پاسخگویی قرار دهد.

تفسیر عصری: مقصود از تفسیر عصری، ارائه خوانش‌هایی از قرآن کریم است که متناسب با دانش‌های زمانه، دغدغه‌ها و پرسش‌های نوظهور مخاطبان باشد. به گفته ایازی، یکی از مهم‌ترین کارویژه‌های تفاسیر عصری، پالودن سنت تفسیری از دیدگاه‌های موهوم پیشینیان و جایگزینی آن‌ها با دیدگاه‌های توجیه‌پذیر متناسب با اقتضائات زمانه است (ایازی، ۱۳۷۵: ۲۹).

تفسیر تطبیقی: مرور بر آثار تفسیرپژوهان نشان می‌دهد که اغلب آنان «تفسیر تطبیقی» (تفسیر مقارن) را یک اسلوب تفسیری پنداشته و آن را در ردیف تفاسیر تحلیلی، اجمالی و موضوعی جای داده‌اند^۱ (کومی، ۱۴۰۲: ۹-۱۷؛ مسلم، ۱۴۲۶: ۵۲-۵۴؛ خالدی، ۱۴۳۳: ۳۱-۳۲؛ رومی، ۱۴۱۹: ۵۷-۶۲). مبتنی بر این طرز تلقی، «تطبیقی بودن» به نحوه نگارش تفسیر و عرضه آن به مخاطبان بازمی‌گردد و هیچ ارتباطی با فرآیند حصول فهم و تفسیر آیات پیدا نمی‌کند (جلیلی و عسگری، ۱۳۹۳: ۷۹-۸۰). این در حالی است که چون تفسیر تطبیقی با الهام از مطالعات تطبیقی^۲ در حوزه علوم انسانی شکل گرفته است (طیب حسینی، ۱۳۸۹: ۲۲۳)، می‌توان این گونه تفسیری نوپدید را یک روش نوین در دانش تفسیر قرآن کریم به حساب آورد. بر این اساس، آنچه در آثار تفسیرپژوهان معاصر رخ داده، فروکاستن تفسیر تطبیقی از پایه «روش تفسیری» به «اسلوب تفسیری» است.

یکی از مهم‌ترین چالش‌های فراوری پژوهشگران علوم انسانی که به شکل‌گیری مطالعات تطبیقی انجامیده، فائق آمدن بر الگوهای خودکارشده فهم در مواجهه با موضوعات مورد مطالعه است (پاکتچی، ۱۳۹۱: ۴۴-۴۶). مقصود از الگوهای خودکارشده فهم، خوانش‌های رایج و مسلط از پدیده‌ها است؛ خوانش‌هایی که از سوی اغلب متخصصان یک رشته علمی، به دیده قبول نگرسته می‌شوند و در تبیین و توضیح پدیده‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند. مبتنی بر این نظرگاه، زمانی می‌توان بر صحت خوانش‌های مسلط حکم نمود که آن خوانش‌ها در صورت واکاوی و واسازی، از خود نقضی نشان ندهند (همان: ۴۶-۷۴).

۱. اگرچه نجازادگان به صراحت «تفسیر تطبیقی» را یک اسلوب تفسیری نخوانده است، اما جایابی آن در کنار تفاسیر ترتیبی و موضوعی، این گمانه را تقویت می‌کند (نجازادگان، ۱۳۸۳: ۱۳).

2. Comparative Studies.

عالمان علوم انسانی به تجربه دریافته‌اند که یکی از کارآمدترین شیوه‌ها برای رهایی از الگوهای خودکارشده آن است که پژوهشگر پدیده موردنظر را در قیاس با دیگر پدیده‌های مشابه بسنجد. این نوع از پژوهش که در عرصه علوم انسانی، «پژوهش تطبیقی» نام دارد (همان: ۳۵) می‌تواند در حوزه تفسیر پژوهی نیز راهگشا باشد. مبتنی بر این شیوه مطالعاتی، تفسیر پژوه می‌کوشد از طریق مواجهه با سنت‌های مختلف تفسیری که در پیرامون آیات قرآنی شکل گرفته‌اند، زمینه را برای غلبه بر الگوهای خودکارشده فهم فراهم آورد؛ به این شکل که با بررسی مقایسه‌ای دو یا چند برداشت تفسیری، امکان‌های مختلف تفسیری از یک گزاره قرآنی را آشکار سازد و بدین سان، قادر شود با واکاوی و واسازی خوانش‌های مسلط، امکان غلبه بر الگوهای خودکارشده فهم در دانش تفسیر را فراهم آورد. این شیوه مطالعاتی می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری یک روش تفسیری جدید در جهان اسلام، موسوم به «تفسیر تطبیقی» گردد.

با عنایت به آنچه گفته آمد، هرچند پژوهش حاضر با تمرکز بر خوانش‌های عصری سامان خواهد گرفت؛ اما بررسی خوانش‌های بازمانده از سده‌های متقدم و میانه از نظر دور نخواهد ماند؛ چراکه این بخش از مطالعه می‌تواند الگوهای خودکارشده فهم در خصوص آیه «وَلِلرِّجَالِ عَلَیْهِنَّ دَرَجَةٌ» (بقره/۲۲۸) را آشکار سازد. در گام بعد، امکان‌های جدید تفسیری که از سوی مفسران شاخص و جریان‌ساز جهان اسلام در دوره معاصر پیش نهاده شده است، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. این بخش از مطالعه می‌تواند هم میزان اثرپذیری این مفسران از الگوهای خودکارشده فهم را به نمایش گذارد و هم میزان نوآوری آنان در ارائه خوانش‌های توجیه‌پذیر متناسب با گفتمان‌های فکری نوظهور را کشف نماید.

۴. خوانش‌های نخستین از «درجه»

با نظر به اینکه طیفی از عالمان تفسیر آیه «وَلِلرِّجَالِ عَلَیْهِنَّ دَرَجَةٌ» را در عداد آیات مجمل جای داده‌اند (جصاص، ۱۴۰۵: ۶۸/۲؛ ابن العربی، ۱۴۰۸: ۱۸۸/۱) می‌توان انتظار داشت که امکان‌های پُرشمار تفسیری از همان صدر اول شکل گرفته باشد. در سخن از منقولات منتسب به صحابه و تابعان، قدیم‌ترین دیدگاه به ابن عباس (درگذشته ۶۸ ق) بازمی‌گردد که معتقد بود مقصود از «درجه» در آیه بقره/۲۲۸، برتری مردان بر زنان به دلیل پرداخت مهریه و نفقه است

(واحدی، ۱۴۱۵ - ب: ۳۳۳/۱؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۳۰۲/۱؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۲۰۰/۱). دیدگاه مشابهی منسوب به عامر شعبی (درگذشته ۱۰۹ ق.) از تابعان کوفی - نیز در پاره‌ای از تفاسیر اهل سنت به ثبت آمده است (مکی بن ابی طالب، ۱۴۲۹: ۷۶۲/۱؛ ماوردی، بی تا: ۲۹۳/۱؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۳۰۵/۱). به آنچه گفته آمد، باید دیدگاه غزوان ابومالک غفاری (درگذشته در حدود ۹۱-۱۰۰ ق.) از دیگر تابعان کوفی را علاوه کرد که مقصود از «درجه» را برتری مردان بر زنان به دلیل داشتن حق طلاق می دانست (ابن ابی حاتم رازی، ۱۴۱۹: ۴۱۷/۲؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۲۰۰/۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۷۷/۱)؛ دیدگاهی که البته با سیاق آیه بقره/۲۲۸ که مشتمل بر احکام مربوط به طلاق است، انسجام بیشتری را نشان می دهد.

هم زمان با شکل گیری دیدگاه های فوق که عامل برتری مردان بر زنان را درون نهاد خانواده جست وجو می کرد، باید از دیدگاه هایی یاد کرد که این برتری را در سطح جامعه پی می گرفتند. برای نمونه، آن گونه که در تفاسیر فریقین مضبوط است مجاهد بن جبر (درگذشته ۱۰۴ ق.) و قتاده بن دعامة (درگذشته ۱۱۸ ق.) بر این باور بودند که چون مردان موظف به جهاد و حضور در کارزارهای نبرد هستند، بر زنان برتری یافته اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۷۵/۲؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۲۶۸/۳؛ قطب راوندی، ۱۴۰۵: ۱۸۷/۲؛ برای تفاسیر اهل سنت، ر.ک: بغوی، ۱۴۲۰: ۳۰۲/۱؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۳۰۵/۱). افزون بر این، باید به نظرگاه زید بن اسلم (درگذشته ۱۳۶ ق.) از تابعان مدنی. اشاره کرد که وجه برتری مردان بر زنان را در صلاحیت مردان برای حکمرانی ریشه یابی می کرد (طبری، ۱۴۱۲: ۲۷۵/۲؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۷۳/۲؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۳۰۲/۱).

آشکار است که دیدگاه های یادشده از سوی صحابه و تابعان، بعدها به دانش تفسیر. به عنوان یک رشته علمی مستقل در جهان اسلام. راه پیدا کرد و به روند تفسیرنویسی در خصوص گزاره «وَلِلرِّجَالِ عَلَىٰ ذَرَجَةٍ» جهت داد.

۵. برتری مردان بر زنان؛ انگاره غالب در تفاسیر سده های متقدم و میانه

در بازه زمانی قرون سوم تا سیزدهم هجری، انگاره «برتری مردان بر زنان» به عنوان یک قدر مشترک، قابل پی جویی در همه تفاسیر فریقین است. مفسران در این بازه زمانی، ضمن اثربرداری از دیدگاه های بازمانده از عصر صحابه و تابعان، در مسیر بسط و تکمیل آن دیدگاه ها همت گماردند. این سنت مطالعاتی را می توان در سه دسته اصلی پیگیری کرد.

۱-۵. تفسیر آیه با استناد به روایات

یکی از قدیم‌ترین شیوه‌ها در تفسیر آیات قرآنی، به‌ویژه آنجا که به دلیل بروز اجمال در متن، امکان استظهار تا حد قابل توجهی کاهش می‌یابد، بهره‌گیری از روایات برجای مانده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام است. هرچند در منابع روایی، متنی منسوب به این حضرات علیهم السلام که در مقام تفسیر آیه ﴿وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ﴾ صادر شده باشد، به ثبت درنیامده است، طیفی از عالمان تفسیر به صورت خودجوش، با برجسته کردن دو روایت، چنین گمان برده‌اند که اندکی از تیرگی معنایی این آیه فروکاسته‌اند.

بر پایه شواهد، علی بن احمد واحدی نیشابوری (درگذشته ۴۶۸ ق) نخستین مفسری است که در تفسیر آیه شریفه، به روایتی منتسب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله استناد جسته است که می‌فرماید: «به دلیل آنکه خداوند متعال حق مردان بر زنان را عظیم داشته است، اگر می‌خواستیم فرمان دهم که کسی بر کسی سجده کند، همانا زنان را فرمان می‌دادم که بر شوهرانشان سجده کنند»^۱ (واحدی، ۱۴۱۵: ب: ۳۳۴-۳۳۵). مبتنی بر این روایت، برتری و فرادستی مردان به‌گونه‌ای تصویر می‌شود که گویی آنان در جایگاه خداوندگاری نشاندۀ می‌شوند و حقوقی هم‌پایه با خدایان همچون مسجود بودن می‌یابند؛ با این تفاوت که گسترۀ خداوندگاری آنان، محدود به خانه‌هایشان است (شیرزاد و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۸-۱۳۲). مرور بر تفاسیر پسین گویای آن است که پیشنهاد واحدی نیشابوری مبنی بر اینکه روایت مذکور می‌تواند در تفسیر آیه شریفه یاری‌رسان باشد، به دیدۀ قبول نگریسته شده است. بر این اساس، هم طیفی از عالمان اهل سنت (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۲۵/۳؛ پانی‌پتی، ۱۴۱۲: ۲۹۹/۱) و هم طیفی از عالمان امامیه (شریف‌لاهیجی، ۱۳۷۳: ۲۱۶/۱؛ ابن ابی جامع، ۱۴۱۳: ۱۸۸/۱) با یادکرد از این روایت، برتری مردان بر زنان را اثبات کرده‌اند (ایزدی و شیرزاد: ۱۳۹۵؛ ایزدی و شیرزاد: ۱۳۹۶).

افزون بر این، برخی از مفسران شیعی روایت دیگری را در تفاسیرشان بازنشر داده‌اند که مبتنی بر آن، زنی از محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جو یا شد که چه کسی بیشترین حق را بر گردن زنان دارد؟ حضرت صلی الله علیه و آله در پاسخ فرمود: «شوهران». زن

۱. برای مشاهده این حدیث در منابع روایی اهل سنت، رک: ابن ابی شیبۀ، ۱۴۰۹: ۲/۲۶۱؛ ابن ماجه، بی‌تا: ۵۹۵/۱؛ ترمذی، ۱۳۹۵: ۴۵۷/۳؛ برای مشاهده این حدیث در منابع روایی امامیه، رک: صفار، ۱۴۰۴: ۳۵۱/۱-۳۵۲؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۵۰۷/۵-۵۰۸؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۴۳۸/۳-۴۳۹.

در ادامه پرسید: آیا به سانِ حقی که شوهرم بر عهده‌ام دارد، من نیز حقی بر عهده‌ام دارم؟ حضرت علیه السلام فرمود: «خیر! از هر صد حقی که شوهرت بر عهده‌ات دارد، تو حتی یک حق نیز بر عهده‌ام نداری». مطابق با روایت، بیانات حضرت علیه السلام چنان بر آن زن، گران آمد که به پیامبر عرضه داشت: «قسم به خدایی که تو را مبعوث کرد تا پایان عمر هیچ‌گاه ازدواج نخواهم کرد» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۰۷/۵؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۴۳۸/۳). هرچند این روایت از سوی جمعی از مفسران امامیه به دیده قبول نگریسته شده و در تفاسیرشان بازتاب یافته است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۷۵/۲؛ جرجانی، ۱۴۰۴: ۴۳۳/۲-۴۳۴؛ مقدس اردبیلی، ۱۳۸۶: ۵۹۳)، معدودی از مفسران آن را در عداد احادیث موضوعه دانسته‌اند؛ چه، مفاد روایت را در تعارض آشکار با گزاره قرآنی «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ» (بقره/۲۲۸) ارزیابی می‌کنند (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۴۲/۴).

۵-۲. برتری حقوقی مردان بر زنان

طیفی از عالمان تفسیر بدون ارائه هیچ توضیحی، به ذکر این نکته بسنده کرده‌اند که آیه «وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ» اشاره به برتری حقوقی مردان بر زنان دارد (ابن قتیبه، ۱۴۱۱: ۷۹؛ قمی، ۱۴۰۴: ۷۴/۱؛ ایجی، ۱۴۲۴: ۱۴۰/۱؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۳۴۴/۲). در تکمیل این برداشت تفسیری، گروهی از مفسران فریقین کوشیده‌اند با استناد به آیه شریفه نساء/۳۴ دلایل این برتری را در دو محور اصلی توضیح دهند: الف) قیام مردان برای انتظام بخشی به زندگی زنان و ب) مسئولیت‌های مالی مردان همچون پرداخت نفقه و مهریه (زجاج، ۱۴۰۸: ۳۰۷/۱؛ واحدی، ۱۴۱۵: الف: ۱۶۹؛ کیا هراسی، ۱۴۰۵: ۱۶۳/۱؛ فاضل جواد، ۱۳۶۵: ۵۲/۴؛ ابن ابی جامع، ۱۴۱۳: ۱۸۷/۱؛ شبر، ۱۴۰۷: ۲۲۹/۱).

افزون بر این، باید از مفسرانی یاد کرد که با تعمیم برتری حقوقی مردان به سطح جامعه، تلاش کرده‌اند بر گستره این نوع از برتری بیفزایند. در این راستا، آنان مجموعه‌ای از حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی مردان را فهرست کرده و از آن، برتری مردان بر زنان را نتیجه گرفته‌اند، مثلاً تملک سهم بیشتر از ثروت جامعه به دلیل بهره‌مندی بیشتر مردان از سهم الارث و دیه، لزوم شرکت مردان در صحنه‌های نبرد علیه دشمنان، برابرانگاری شهادت یک مرد در ازای شهادت دو زن، صلاحیت مردان برای پذیرش مناصب خطیری همچون نبوت، امامت، امارت و قضاوت (اسفراینی، ۱۳۷۵: ۲۴۸/۱؛ میبیدی، ۱۳۷۱: ۶۱۱/۱؛ خازن، ۱۴۱۵: ۱۶۰/۱؛ کاشفی، ۱۳۶۹: ۷۴).

۵-۳. برتری تکوینی مردان بر زنان

درحالی که اغلب مفسران برتری مردان بر زنان را در مجموعه‌ای از مسائل حقوقی پی بسته‌اند، برخی از عالمان تفسیر پا را فراتر گذاشته و برتری مردان را در مجموعه‌ای از امور تکوینی جست‌وجو کرده‌اند. مثلاً آن‌گونه که در تفسیر الفواتح الإلهیه و المفاتح الغیبیه آمده است، فضیلت مردان از حیث آفرینش و بهره‌مندی آنان از کمال عقل و ایمان موجب شده است که خداوند متعال مردان را بر زنان برتری بخشد (شیخ علوان، ۱۹۹۹: ۷۸/۱؛ بروسوی، ۱۴۲۴: ۳۵۴/۱). نیز باید دیدگاه مفسرانی را شاهد آورد که معتقدند همین دلیل در برتری مردان بس است که زنان از مردان پدیدار گشته و هستی‌شان را به آنان مدیون‌اند (ابن العربی، ۱۴۰۸: ۱۸۸/۱؛ شوکانی، ۲۷۲/۱: ۴۱۴؛ قنوجی، ۱۴۱۲: ۱۹/۲).

۶. گونه‌شناسی رویه‌های تفسیری در انتقال به دوره معاصر

نحوه عملکرد مفسران در انتقال به دوره معاصر را می‌توان در دو دسته اصلی طبقه‌بندی کرد:

۶-۱. تداوم سنت تفسیری

مرور بر تفاسیر سده‌های چهاردهم و پانزدهم هجری گویای آن است که همچنان طیفی از عالمان تفسیر علاقمند بودند آیه «وَلِلرَّجَالِ عَلَیْهِنَّ دَرَجَةٌ» را براساس رویه‌های تفسیری که پیش‌تر در سده‌های متقدم و میانه شکل گرفته بودند، تفسیر نمایند. به طور مشخص، برخی از مفسران امامی مذهب بدون توجه به انتظارات و اقتضائات دوره مدرن، ترجیح داده‌اند آیه شریفه را با استناد به مجموعه روایاتی تفسیر کنند که فرادستی مردان را به طور حداکثری توضیح داده است (حائری تهرانی، ۱۳۷۷: ۷۱/۲؛ ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸: ۲۸۷/۱؛ طیب، ۱۳۷۸: ۴۵۸/۲).

نیز می‌توان برخی از مفسران معاصر را نام آورد که با جدیت، از ایده برتری تکوینی مردان نسبت به زنان حمایت کرده و آن را اصلی‌ترین عامل در فرادستی جنس مرد بر جنس زن ارزیابی کرده‌اند. از بارزترین این مفسران، شنقیطی (درگذشته ۱۳۹۳ ق) است که معتقد است از آنجا که «مردانگی» (ذکوریت) با کمال در آفرینش، قدرت بدنی، زیبایی و شرافت و «زنانگی» (أنوئث) با نقص در آفرینش، ضعف و سستی پیوند خورده است، مردان بر زنان برتری یافته‌اند (شنقیطی، ۱۴۱۵: ۱۰۳/۱؛ همان: ۴۱۶/۷). در همین راستا، ابن عاشور (درگذشته

۱۳۹۳ ق) معتقد است که عموم جانداران نر در قیاس با مادینه‌ها، هم از حیث خلقت، کامل‌ترند و هم از حیث قوای جسمی و ذهنی، قوی‌تر و باهوش‌تر (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۳۸۲/۲).

سرانجام، باید به گروهی از عالمان تفسیر اشاره کرد که مردان را از حیث بهره‌مندی از حقوق، برتر از زنان ارزیابی کرده‌اند؛ مثلاً دریافت سهم بیشتر از ارث و دیه، برخورداری از حق طلاق، شایستگی برای تصدی مناصب نبوت و امامت و قضاوت (آل سعدی، ۱۴۰۸: ۱۱۱؛ ملا حویث آل غازی، ۱۳۸۲: ۱۸۹/۵؛ دخیل، ۱۴۲۲: ۵۰).

۶-۲. فاصله‌گیری از سنت تفسیری؛ پیدایی خوانش‌های عصری از آیه

هم‌زمان با کوشش‌هایی برای تداوم بخشی به سنت‌های تفسیری، گروهی از مفسران معاصر در صدد برآمدند با فاصله گرفتن از آن سنت‌ها، خوانش‌هایی توجیه‌پذیر متناسب با اقتضائات دوره مدرن را عرضه نمایند. مهم‌ترین راهبردها برای انجام این مهم را می‌توان در چهار دسته طبقه‌بندی کرد:

۶-۲-۱. کاهش حداکثری در دامنه برتری حقوقی مردان

سید قطب (درگذشته ۱۳۸۷ ق). مفسر نام‌آور مصری. نخستین متفکری است که با تمرکز بر سیاق آیه «وَلِلرِّجَالِ عَلَىٰ نِجَاتٍ دَرَجَةٌ»، دامنه برتری حقوقی مردان را به داشتن حق طلاق و حق رجوع در زمان عده محدود ساخته است. بر این اساس، او از عملکرد اغلب مفسران که دامنه برتری حقوقی مردان را بسیار گسترده می‌دانستند، انتقاد کرده و آن را ناسازگار با سیاق آیه توصیف کرده است (سید بن قطب، ۱۴۱۲: ۲۴۶/۱-۲۴۷).

بعدها، این برداشت تفسیری از سوی محمدجواد مغنیه (درگذشته ۱۴۰۰ ق). یکی از مفسران شیعی در لبنان. به دیده قبول نگریسته شد و بدین سان، به حلقات تفسیر نویسی امامیه راه پیدا کرد (مغنیه، ۱۴۲۵: ۴۶). در مرحله بعد، شاهد بازنشر همین دیدگاه تفسیری از سوی هم‌وطنش، سید محمدحسین فضل‌الله هستیم که معتقد بود گزاره «وَلِلرِّجَالِ عَلَىٰ نِجَاتٍ دَرَجَةٌ» (بقره/۲۲۸) در صدد بیان این مطلب است که حق طلاق در ازای مسئولیت مالی خانواده، در اختیار مردان قرارگرفته است (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۲۸۴/۴). فضل‌الله همین برداشت تفسیری را در دیگر کتابش. «دنیا المرأة». نیز بازگفت. او با اشاره به این مطلب که مقصود از «درجه» در آیه بقره/۲۲۸ مبهم است، قدر متیقن از معنای آن را با نظر به سیاق آیه و اجماع فقها، «حق طلاق» دانست و معتقد بود که ظهور کلام، مصداقی فراتر از حق طلاق را برنمی‌تابد (فضل‌الله، ۱۴۱۸: ۹۱؛ نیز برای مشاهده نظرگاه تفسیری

مشابه، ر.ک: حسینی شیرازی، ۱۴۲۴: ۲۵۲/۱). هرچند در این برداشت تفسیری، همچنان فرادستی مردان در حوزه حقوق به رسمیت شناخته می‌شود، اما دامنه‌اش تا اندازه‌ای کاهش یافته است که می‌تواند در قیاس با سنت‌های تفسیری، سازواری بیشتری با فضای فکری مدرن را به همراه داشته باشد.

۲-۲-۶. برجسته‌سازی انگاره تکلیف به جای حق

یکی از اصلی‌ترین شیوه‌ها برای ارائه خوانشی سازگار با اقتضائات دوره مدرن، برجسته کردن انگاره «تکلیف» به جای «حق» بوده است؛ با این توضیح که برخلاف سنت مطالعات تفسیری که آیه «وَلِلرِّجَالِ عَلَیْهِنَّ دَرَجَةٌ» را بیانگر برتری حقوقی مردان بر زنان قلمداد می‌کرد، برخی از مفسران معاصر آن را بیانگر تکالیف و وظایف بیشتر مردان در قبال همسرانشان تعبیر نموده‌اند.

قدیم‌ترین مفسری که همین شیوه را در تفسیر آیه بقره/۲۲۸ پیش گرفته، شیخ محمد عبده (درگذشته ۱۳۲۳ ق) است. او تفسیر این گزاره را با این عبارت کلیدی آغاز می‌کند که: «وَأَمَّا قَوْلُهُ تَعَالَى: (وَلِلرِّجَالِ عَلَیْهِنَّ دَرَجَةٌ) فَهُوَ يَوْجِبُ عَلَى الْمَرْأَةِ شَيْئًا وَعَلَى الرِّجَالِ أَشْيَاءً» (رضا، ۱۹۹۰: ۳۵/۲). مقصود عبده آن است که اگر آیه بقره/۲۲۸ یک وظیفه را بر دوش زنان قرار داده، وظایف و مسئولیت‌های متعددی را بر عهده مردان گذاشته است. عبده با استناد به آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ...» (نساء/۳۴) مقصود از «درجه» را واگذاری مسئولیت سنگین ریاست خانواده بر عهده مردان دانسته است (همان: ۳۵/۲-۳۰۲).

این برداشت تفسیری به دلیل همنوایی بیشتر با گفتمان‌های فکری مدرن، از سوی طیفی از مفسران پسین به دیده قبول نگریسته شده و در تفاسیرشان انعکاس یافته است (مراغی، ۱۹۸۵: ۱۶۷/۲؛ زحیلی، ۱۴۲۲: ۱۲۴/۱-۱۲۵؛ حجازی، ۱۴۱۳: ۱۴۳/۱-۱۴۴). صورت موجز و ساخت یافته از این خوانش تفسیری را می‌توان در صفوة التفاسیر مشاهده کرد؛ آنجا که در توضیح «درجه» گفته شده است: «فَهِيَ دَرَجَةُ تَكْلِيفٍ لَا تَشْرِيفٍ» (صابونی، ۱۴۱۷: ۱۳۱). بر این اساس، این درجه نه نشانه شرافت و فضیلت مردان نسبت به زنان که نشانه تکالیف و مسئولیت‌های بیشتر مردان در قبال زنان است.

۲-۲-۶. برجسته‌سازی انگاره تفاوت به جای برتری

شیوه دیگر برای ارائه خوانشی عصری از آیه بقره/۲۲۸، فاصله گرفتن از انگاره برتری مردان بر زنان و جایگزین کردن آن با انگاره تفاوت مردان با زنان است.

عبدالکریم خطیب (درگذشته ۱۴۰۶ ق). - عالم معاصر مصری. نخستین مفسری است که در میان اهل سنت، «درجه» را به تفاوت میان مردان و زنان تفسیر نمود: «قوله تعالى (وَلِلرِّجَالِ عَلَىٰ نِسَائِهِمْ دَرَجَةٌ) أَى دَرَجَةٌ فِي التَّفَاوُتِ بَيْنَهُمَا فِي الْحُقُوقِ وَالْوَجِبَاتِ» (خطیب، ۱۴۲۴: ۲۶۱/۱). بر این اساس، خطیب معتقد است که آیه بقره/۲۲۸ در مقام بیان تفاوت میان مردان و زنان از حیث حقوق و تکالیف است و نباید آن را بنا بر ادعای سنت تفسیری، به برتری حقوقی یا تکوینی مردان بر زنان تعبیر نمود.

هم‌زمان با عبدالکریم خطیب، علامه سید محمدحسین طباطبایی (درگذشته ۱۴۰۲ ق) نیز در فضای تفسیر نویسی امامیه تلاش کرد آیه «وَلِلرِّجَالِ عَلَىٰ نِسَائِهِمْ دَرَجَةٌ» را با تمرکز بر تفاوت‌های میان مردان و زنان بازتفسیر نماید. طباطبایی بر این باور بود که میان مردان و زنان، تفاوت‌های بارزی وجود دارد که می‌توان آن‌ها را در دو بخش اصلی طبقه‌بندی کرد: تفاوت‌های جسمی و تفاوت‌های روانی. از منظر طباطبایی، عموم مردان از حیث ویژگی‌های جسمی و بدنی، از توانایی و قدرت بیشتری نسبت به زنان برخوردارند. در نتیجه مردان غالباً سخت و خشن‌اند؛ حال آنکه زنان از حیث جسمی، لطیف و شکننده‌اند. از سوی دیگر، طباطبایی در بحث از تفاوت‌های روانی میان زنان و مردان، دوگانه «تعقل - عاطفه» را پیش نهاد و چنین مطرح کرد که غلیان احساسات و عواطف در وجود زنان موجب می‌شود که مهربانی و نازک‌دلی در وجود آنان ریشه دواند؛ حال آنکه جنبه تعقل در وجود مردان چیرگی دارد و به آنان امکان تسلط بر عواطف و احساساتشان را می‌دهد. طباطبایی با استناد به این تفاوت‌های جسمی و روانی چنین نتیجه گرفت که مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی مردان و زنان نیز می‌بایست متفاوت باشد. از همین روست که به باور او، زنان از پذیرش مسئولیت‌هایی چون امارت، قضاوت و جهاد که جز با تعقل و خردورزی انجام نمی‌گیرند، معاف شده و سامان‌دهی به این امور بر عهده مردان گذاشته شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۷۵/۲). به این ترتیب، طباطبایی برخلاف سنت تفسیر نویسی، «درجه» را نه نشانه‌ای از برتری مردان بر زنان که نشانه‌ای از تفاوت‌های جسمی و روانی میان مردان و زنان ارزیابی نمود (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ۱۵۷/۲؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ۳۶۱/۱).

۶-۴. جایگزینی انگاره برتری نسبی به جای برتری مطلق

در پایان، باید طیفی از مفسران امامی مذهب را نام آورد که هرچند از تفسیر «درجه» به «برتری» ابایی نداشته‌اند؛ اما برخلاف سنت تفسیر نویسی، برتری

مردان بر زنان را یک برتری نسبی. نه برتری مطلق. دانسته‌اند. آنان معتقدند که مردان و زنان از حیث ویژگی‌های جسمی و روانی، با یکدیگر متفاوت‌اند. همین تفاوت موجب می‌شود که هر یک در قیاس با دیگری، در برخی از حوزه‌ها برتر و در برخی از حوزه‌ها فروتر باشد. مثلاً مردان از حیث نیروی بدنی، اداره میدان جنگ، حکومت‌داری، قضاوت و ... بر زنان برتری دارند و زنان از حیث بردباری، فداکاری، نوع دوستی، نوع‌پروری، رقت قلب و ... بر مردان برتری یافته‌اند (بانو امین اصفهانی، ۱۳۶۱: ۳۲۴/۲، ۳۲۶؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۴۱/۴؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۴۲۵/۱؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۶۳/۱۱، ۲۶۵). بر این اساس، این مفسران بر این باورند که آیه «وَلِلرِّجَالِ عَلَىهِنَّ دَرَجَةٌ» اشاره به برتری نسبی مردان بر زنان از حیث پذیرش مسئولیت مدیریت خانواده دارد؛ مسئولیتی که به واسطه ویژگی‌های خاص جسمی و روانی مردان بر عهده آنان گذاشته شده است و نباید آن را نشانه‌ای از فرودستی زنان نسبت به مردان تعبیر نمود (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۴۰/۴؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۴۲۵/۱؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۶۳/۱۱، ۲۶۵).

در تکمیل آنچه گذشت، جوادی آملی با رویکردی فلسفی، این نکته مهم را یادآور می‌شود که مردانگی (ذکوریت) و زنانگی (انوثیت)، جزء ذات انسان به شمار نمی‌آید و به این ترتیب، مدخلیتی در روح و حقیقت انسانی ندارد. در نتیجه، باید مردانگی و زنانگی را صنف انسان به شمار آورد، نه فصل او. این در حالی است که غرب مدرن به دلیل آنکه انسان را جز پیکر مادی، چیز دیگری نمی‌داند، به این باور رسیده است که مرد و زن را باید دو نوع از یک حقیقت به نام انسان در نظر گرفت (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۷۱/۱۱-۲۷۲).

نتیجه

پژوهش حاضر کوشید روند تحولات تفسیری از آیه «وَلِلرِّجَالِ عَلَىهِنَّ دَرَجَةٌ» را از عصر صحابه تا دوران معاصر، با رویکرد تفسیر تطبیقی به بحث گذارد. این مطالعه نشان داد:

۱. در سده‌های متقدم و میانه هجری، سه مسیر اصلی در تفسیر آیه در پیش گرفته شد:

الف) تفسیر آیه با استناد به روایات: برخی از مفسران در صدد برآمدن با استناد به مجموعه‌ای از احادیث منسوب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام، فرادستی و تسلط مردان بر زنان را به طور قاطع و حداکثری تصویر کنند؛ به گونه‌ای که مثلاً مردان در صورت جواز سجده برای غیر خداوند، شایسته مسجود بودن زنان نشان هستند.

ب) **برتری تکوینی مردان بر زنان:** از سوی دیگر، برخی از مفسران به این طرز تلقی دامن زدند که برتری مردان بر زنان ریشه در مجموعه‌ای از واقعیت‌های تکوینی در عالم دارد که غیر قابل تغییر است؛ مثلاً اینکه مردان منشأ خلقت زنان هستند، یا اینکه مردان برخلاف زنان، از کمال عقل و دین برخوردارند.

ج) **برتری حقوقی مردان بر زنان:** سرانجام، باید از جریان سومی یادکرد که ضمن اشاره به فهرستی از حقوق مردان در سطح خانواده و جامعه، معتقد بود که بنا بر آموزه‌های اسلامی، مردان از حیث حقوقی - نه تکوینی - در صدر نشاندۀ می‌شوند؛ مثلاً برخورداری بیشتر مردان از سهم الارث و دیه، یا امکان تصدی مناصبی چون قضاوت از سوی آنان.

۲. در انتقال به دوره مدرن، در حالی که طیفی از مفسران معاصر بدون توجه به اقتضائات زمانه، بر تکرار سنت مطالعات تفسیری پای می‌فشردند، گروهی دیگر کوشیدند با ارائه خوانش‌های عصری از آیه، برداشت‌هایی سازوارتر با گفتمان‌های فکری مدرن عرضه نمایند. مهم‌ترین چارچوب‌های فکری برای ساماندهی به این خوانش‌های عصری از قرار زیر است:

الف) **کاهش حداکثری در دامنه برتری حقوقی مردان:** گروهی از مفسران معاصر ضمن پذیرش برتری حقوقی مردان، با امعان نظر به سیاق آیه، دامنه این برتری را به حق طلاق و حق رجوع در زمان عده کاهش دادند. این در حالی است که پیشینیان، گستره این برتری را بسیار وسیع می‌دیدند.

ب) **برجسته‌سازی انگاره تکلیف به جای حق:** برخی از مفسران معاصر با پُررنگ کردن جنبه تکلیف به جای حق، گزاره «وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ» را به واگذاری مسئولیت‌های سنگین و خطیر به مردان تفسیر کردند. این در حالی است که پیشینیان چنین باور داشتند که این گزاره بیانگر شرافت و فضیلت حقوقی مردان در قیاس با همسرانشان است.

ج) **برجسته‌سازی انگاره تفاوت به جای برتری:** طیفی از مفسران معاصر در تفسیر آیه «لِّلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ» به جای بحث از برتری مردان بر زنان، بر تفاوت‌های مردان و زنان از حیث ویژگی‌های جسمی و روانی تمرکز نمودند؛ تفاوت‌هایی که از منظر این مفسران می‌تواند زمینه‌ساز تفاوت در تکالیف و مسئولیت‌های آنان باشد.

د) **جایگزینی انگاره برتری نسبی به جای برتری مطلق:** برخی از مفسران معاصر بدون آنکه از تفسیر «درجه» به «برتری» طفره روند، برخلاف سنت تفسیری آن را به یک برتری نسبی تقلیل دادند؛ با این توضیح که زنان و مردان به دلیل

برخورداری از ویژگی‌های جسمی و روانی متفاوت، امکان برتری در پاره‌ای از حوزه‌ها و امکان فرودستی در پاره‌ای دیگر را یافته‌اند. بر این اساس، نمی‌توان به طور مطلق، از برتری مردان بر زنان یا بالعکس سخن راند.

۳. این مطالعه نشان داد که با تغییر در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی جهان اسلام می‌توان انتظار تغییر در روند تفسیرنویسی جهان اسلام را امری واقع‌بینانه ارزیابی کرد. از همین رو است که پس از غلبه گفتمان برابری جنسیتی در اکثر جوامع اسلامی و طرح پرسش‌های نوپدید درباره جایگاه زنان در اسلام، شاهد فاصله گرفتن از سنت‌های تفسیری و ارائه خوانش‌های عصری از آیه «وَلِلرِّجَالِ عَلَیْهِنَّ دَرَجَةٌ» متناسب با اقتضائات دوره مدرن هستیم.



منابع

قرآن کریم.

آل سعدی، عبدالرحمان بن ناصر (۱۴۰۸ ق): «تیسیر الکریم الرحمان فی تفسیر کلام المنان»، بیروت: مکتبه النهضه العربیه.

آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ ق): «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی»، به کوشش علی عبدالباری عطیه، بیروت: دار الکتب العلمیه.

ابن ابی جامع، علی بن حسین (۱۴۱۳ ق): «الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز»، به کوشش مالک محمودی، قم: دار القرآن الکریم.

ابن ابی حاتم رازی، عبدالرحمان بن محمد (۱۴۱۹ ق): «تفسیر القرآن العظیم»، به کوشش اسعد محمد الطیب، ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز.

ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد (۱۴۰۹ ق): «المصنف»، به کوشش کمال یوسف، ریاض: مکتبه الرشد.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ ق): «من لایحضره الفقیه»، به کوشش علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی. ابن جوزی، عبدالرحمان بن علی (۱۴۲۲ ق): «زاد المسیر فی علم التفسیر»، به کوشش عبدالرزاق المهدی، بیروت: دار الکتب العربیه.

ابن عادل، عمر بن علی (۱۴۱۹ ق): «اللباب فی علوم الکتاب»، به کوشش عادل احمد عبدال موجود و شیخ علی محمد معوض، بیروت: دار الکتب العلمیه.

ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۴۲۰ ق): «التحریر و التنویر»، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.

ابن العربی، محمد بن عبدالله (۱۴۰۸ ق): «أحكام القرآن»، به کوشش علی محمد الجاوی، بیروت: دار الجیل.

ابن عطیه، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ ق): «المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز»، به کوشش عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت: دار الکتب العلمیه.

ابن قتیبہ، عبدالله بن مسلم (۱۴۱۱ ق): «تفسیر غریب القرآن»، به کوشش ابراهیم محمد رمضان، بیروت: دار و مکتبه الهلال.

ابن ماجه، محمد بن یزید (بی تا): «السنن»، به کوشش محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دار الفکر.

ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ ق): «روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن»، به کوشش محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.

اسفراینی، شاهفور بن طاهر (۱۳۷۵ ش): «تاج التراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم»، به کوشش نجیب مایل هروی و علی اکبر الهی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

ایازی، سید محمد علی (۱۳۷۵ ش): «قرآن و تفسیر عصری»، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

ایچی، محمد بن عبدالرحمان (۱۴۲۴ ق): «جامع البیان فی تفسیر القرآن»، بیروت: دار الکتب العلمیه.

ایزدی، مهدی و شیرزاد، محمد حسن و شیرزاد، محمد حسین (۱۳۹۵ ش): «تبارشناسی روایت سجده زن بر شوهر در جوامع روایی متقدم امامیه»، حدیث پژوهی، سال ۸، شماره ۱۶، صص ۵۱-۷۴.

ایزدی، مهدی و شیرزاد، محمد حسین و شیرزاد، محمد حسن (۱۳۹۶ ش): «امکان سنجی صدور حدیث سجده زن بر شوهر: نقد متنی سه سطحی (زبانی، ادبی و فرهنگی)»، علوم حدیث، سال ۲۲، شماره ۸۴، صص ۷۹-۱۰۱.

بانو امین اصفهانی، سیده نصرت (۱۳۶۱ ش): «مخزن العرفان در تفسیر قرآن»، تهران: نهضت زنان مسلمان.

بروسوی، اسماعیل حقی (۱۴۲۴ ق): «روح البیان»، بیروت: دار الفکر.

بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ ق): «معالم التنزیل»، به کوشش عبدالرزاق المهدی، بیروت: دار احیاء التراث العربی. پاکتنجی، احمد (۱۳۹۱ ش): «روش تحقیق با تکیه بر حوزه علوم قرآن و حدیث»، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.

پانی پتی، ثناء الله (۱۴۱۲ ق): «التفسیر المظهری»، به کوشش غلام نبی تونسوی، کویت: مکتبه رشدیه.

ترمذی، محمد بن عیسی (۱۳۹۵ ق): «السنن»، مصر: مکتبه مصطفی البابی.

ثعلبی، احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ ق): «الکشف و البیان عن تفسیر القرآن»، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

ثقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۸ ق): «تفسیر روان جاوید»، تهران: برهان.

جرجانی، ابوالفتح بن مخدوم (۱۴۰۴ ق): «تفسیر شاهي (آیات الأحکام)»، به کوشش ولی الله اشراقی سرابی، تهران: انتشارات نوید.

- فضل الله، سید محمدحسین (۱۴۱۸ ق): «دنیا المرأة»، بیروت: دار الملک.
- فضل الله، سید محمدحسین (۱۴۱۹ ق): «من وحی القرآن»، بیروت: دار الملک.
- قراثتی، محسن (۱۳۸۳ ش): «تفسیر نور»، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱ ش): «تفسیر احسن الحديث»، تهران: بنیاد بعثت.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ ش): «الجامع لأحكام القرآن»، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- قطب راوندی، سعید بن هبة الله (۱۴۰۵ ق): «فقه القرآن»، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله علیه.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ ق): «تفسیر قمی»، به کوشش سید طیب موسوی جزائری، قم: دار الکتاب.
- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا (۱۳۶۸ ش): «کنز الدقائق و بحر الغرائب»، به کوشش حسین درگاهی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- قنوجی، محمد صدیق خان (۱۴۱۳ ق): «فتح البیان فی مقاصد القرآن»، بیروت: المكتبة العصرية.
- کاشفی، حسین بن علی (۱۳۶۹ ش): «مواهب علیه»، تهران: اقبال.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۲ ق): «الکافی»، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- کومی، احمد سید (۱۴۰۲ ق): «التفسیر الموضوعی للقرآن الکریم»، قاهره: دار الهدی.
- کیا هراسی، علی بن محمد (۱۴۰۵ ق): «أحكام القرآن»، به کوشش موسی محمد علی و عزت عبد عطیة، بیروت: دار الکتب العلمية.
- ماوردی، علی بن محمد (بی تا): «النکت و العیون»، به کوشش سید بن عبدالمقصود بن عبد الرحیم، بیروت: دار الکتب العلمية.
- مراغی، احمد مصطفی (۱۹۸۵ م): «تفسیر المراغی»، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مسلم، مصطفی (۱۴۲۶ ق): «مباحث فی التفسیر الموضوعی»، دمشق: دار القلم.
- مصلحی، جواد، نوربان، سجاد (۱۳۹۹): «رابطه فمینیسم و قرآن با تأکید بر آیه قوامون»، قرآن و علم، ۱۴ (۲۷)، ۱۳۱-۱۵۶. ۲۰۲۱.۵۳۶۵.qv۵/۱۰.۲۲۰۳۴
- مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۵ ق): «التفسیر المبین»، قم: دار الکتاب الإسلامی.
- مقدس اردبیلی، احمد (۱۳۸۶ ق): «زبدة البیان فی أحكام القرآن»، به کوشش محمد باقر بهبودی، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴ ش): «تفسیر نمونه»، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- مکی بن ابی طالب (۱۴۲۹ ق): «الهدایة إلى بلوغ النهایة فی علم معانی القرآن و تفسیره»، شارجه: جامعة الشارقة.
- ملا حویش آل غازی، عبدالقادر (۱۳۸۲ ق): «بیان المعانی علی حسب ترتیب النزول»، دمشق: مطبعة الترقی.
- منوچهریان، مهرانگیز (۱۳۴۲ ش): «انتقاد قوانین اساسی و مدنی و کیفی ایران از نظر حقوق زن»، تهران: سازمان داوطلبان حمایت خانواده.
- موسوی مقدم، سید محمد، مدرسی مصلی، سیده منصوره (۱۳۹۸): «بررسی مقاله «نکاح و طلاق» از دایرة المعارف قرآن لیدن» قرآن پژوهی خاورشناسان، ۱۴ (۲۶)، ۱۵۷-۱۷۵. ۲۰۱۹.۲۷۴۶.kh/۱۰.۲۲۰۳۴
- میبدی، رشیدالدین ابوالفضل (۱۳۷۱ ش): «کشف الأسرار و عدة الأبرار»، به کوشش علی اصغر حکمت، تهران: امیرکبیر.
- نجاززادگان، فتح الله (۱۳۸۳ ش): «تفسیر تطبیقی»، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- نظام اعرج، حسن بن محمد (۱۴۱۶ ق): «غرائب القرآن و رغائب الفرقان»، به کوشش شیخ زکریا عمیرات، بیروت: دار الکتب العلمية.
- واحدی، علی بن احمد (۱۴۱۵ ق الف): «الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز»، به کوشش صفوان عدنان داوودی، دمشق/بیروت: الدار الشامیة/ دار القلم.
- واحدی، علی بن احمد (۱۴۱۵ ق ب): «الوسیط فی تفسیر القرآن المجید»، به کوشش عادل احمد عبدالموجود و همکاران، بیروت: دار الکتب العلمية.
- Ali, Kecia (2010): "Marriage and Slavery in Early Islam", Cambridge: Harvard University Press.
- Giddens, A. (2009): "Sociology", Cambridge: Polity Press.

References

Glorious Qur'ān

- Abū al-Futūḥ Rāzī, Ḥusayn ibn 'Alī (1408 AH): "Rawdat al-Jinān wa Rūḥ al-Jinān fī Tafsīr al-Qur'ān", editor: Muḥammad Jā'far Yāḥaqī and Muḥammad Mahdī Nāshih, Mashhad: Bunyād-i Pazhūhishhā-yi Islāmi-i Aṣṭan-i Quds Razavi.
- Ādilī, 'Abd al-Ḥakīm, Jazā'irī, Sayyid Ḥamīd, Najafī, Buṣṭān, Ḥusayn (1403 SH): "Barresī Shubhāt Naqsh-i Hīzinah Mālī dar Qawwāmiyyat Mardān wa Pāsukh bih Ān", Qur'ān va 'Ilm Journal, 18(34), pp. 283-308. doi: 10.22034/qve.2024.9427
- Āl Sa'dī, 'Abd al-Raḥmān ibn Nāṣir (1408 AH): "Taysīr al-Karīm al-Raḥmān fī Tafsīr Kalām al-Mannān", Beirut: Maktabat al-Nahḍah al-'Arabīyah.
- Ali, Kecia (2010): "Marriage and Slavery in Early Islam", Cambridge: Harvard University Press.
- Ālūsī, Sayyid Maḥmūd (1415 AH): "Rūḥ al-Ma'ānī fī Tafsīr al-Qur'ān al-'Azīm wa al-'Sab' al-Mathānī", Editor: 'Alī 'Abd al-Bārī Aṭīyah, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyah.
- Baghawī, Ḥusayn ibn Mas'ūd (1420 AH): "Mu'ālim al-Tanzīl", editor: 'Abd al-Razzāq al-Mahdī, Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
- Bānū Amīn Isfahānī, Sayyidah Naṣrat (1361 SH): "Makhzan al-'Irfān fī Tafsīr Qur'ān", Tehran: Nahzat-i Zanan-i Musalmān.
- Būrūsawī, Ismā'īl Ḥaqqī (1424 AH): "Rūḥ al-Bayān", Beirut: Dār al-Fikr.
- Dakhīl, 'Alī Muḥammad 'Alī (1422 AH): "Al-Wajīz fī Tafsīr al-Kitāb al-'Azīz", Beirut: Dār al-Ta'aruf li-l-Maṭbū'āt.
- Fāḍil Jawād, Jawād ibn Sa'īd Kāzīmī (1365 SH): "Masālik al-Afhām ilā Āyāt al-Aḥkām", Tehran: Kitābforūshī Murtazavī.
- Faḍl Allāh, Sayyid Muḥammad Ḥusayn (1418 AH): "Dunyā al-Mar'ah", Beirut: Dār al-Malak.
- Faḍl Allāh, Sayyid Muḥammad Ḥusayn (1419 AH): "Min Waḥy al-Qur'ān", Beirut: Dār al-Malak.
- Fakhr Rāzī, Muḥammad ibn 'Umar (1420 AH): "Mafātiḥ al-Ghayb", Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
- Giddens, A. (2009): "Sociology", Cambridge: Polity Press.
- Ḥā'irī Tehrānī, Mīr Sayyid 'Alī (1377 SH): "Muqtanīyāt al-Durr wa Multaqaṭāt al-Thamar", Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah.
- Hijāzī, Muḥammad Maḥmūd (1413 AH): "Al-Tafsīr al-Wāḍiḥ", Beirut: Dār al-Jīl al-Jadīd.
- Ḥusaynī Shīrāzī, Sayyid Muḥammad (1424 AH): "Taqrīb al-Qur'ān ilā al-'Azhān", Beirut: Dār al-'Ulūm.
- Ibn Abī Ḥatīm Rāzī, 'Abd al-Raḥmān ibn Muḥammad (1419 AH): "Tafsīr al-Qur'ān al-'Azīm", editor: As'ad Muḥammad al-Ṭayyib, Riyadh: Maktabat Nizār Muṣṭafā al-Bāz.
- Ibn Abī Jāmi', 'Alī ibn Ḥusayn (1413 AH): "Al-Wajīz fī Tafsīr al-Qur'ān al-'Azīz", editor: Mālik Maḥmūdī, Qom: Dār al-Qur'ān al-Karīm.
- Ibn Abī Shaybah, 'Abdullāh ibn Muḥammad (1409 AH): "Al-Muṣannaf", editor: Kamāl Yūsuf, Riyadh: Maktabat al-Rushd.
- Ibn 'Ādil, 'Umar ibn 'Alī (1419 AH): "Al-Lubāb fī 'Ulūm al-Kitāb", editor: 'Ādil Aḥmad 'Abd al-Mawjūd and Shaykh 'Alī Muḥammad Ma'wadh, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyah.
- Ibn al-'Arabī, Muḥammad ibn 'Abdullāh (1408 AH): "Aḥkām al-Qur'ān", editor: 'Alī Muḥammad al-Bijāwī, Beirut: Dār al-Jīl.
- Ibn 'Āshūr, Muḥammad ibn Ṭāhir (1420 AH): "Al-Taḥrīr wa al-Tanwīr", Beirut: Mū'assasat al-Tārīkh al-'Arabī.
- Ibn Aṭīyyah, 'Abd al-Ḥaqq ibn Ḡālīb (1422 AH): "Al-Muḥarrar al-Wujīz fī Tafsīr al-Kitāb al-'Azīz", edited by 'Abd al-Salām 'Abd al-Shāfi Muḥammad, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyah.

- Ibn Bābūyah, Muḥammad ibn 'Alī (1413 AH): "Man Lā Yaḥḍuruḥu al-Faḥīh", editor: 'Alī Akbar Ghafārī, Qom: Daftar Intishārāt Islāmī.
- Ibn Jawzī, 'Abd al-Raḥmān ibn 'Alī (1422 AH): "Zād al-Masīr fī 'Ilm al-Tafsīr", editor: 'Abd al-Razzāq al-Mahdī, Beirut: Dār al-Kitāb al-'Arabī.
- Ibn Mājah, Muḥammad ibn Yazīd (N.D): "Al-Sunan", editor: Muḥammad Fu'ād 'Abd al-Bāqī, Beirut: Dār al-Fikr.
- Ibn Qutaybah, 'Abdullāh ibn Muslim (1411 AH): "Tafsīr Gharīb al-Qur'ān", editor: Ibrāhīm Muḥammad Ramaḍān, Beirut: Dār wa Maktabat al-Hilāl.
- Ījī, Muḥammad ibn 'Abd al-Raḥmān (1424 AH): "Jāmi' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān", Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah.
- Isfarā'īnī, Shāhūr ibn Ṭāhīr (1375 SH): "Tāj al-Tarājīm fī Tafsīr al-Qur'ān li-l-A'ā-jīm", editor: Najīb Mā'il Harawī and 'Alī Akbar Ilāhī, Tehran: Intishārāt-i 'Ilmī va Farhangī.
- Iyāzī, Sayyid Muḥammad 'Alī (1375 SH): "Qur'ān wa Tafsīr 'Aṣrī", Tehran: Daftar-i Nashr-i Farhang Islāmī.
- Īzādī, Maḥdī; Shīrẓād, Muḥammad Ḥasan and Shīrẓād, Muḥammad Ḥusayn (1395 SH): "Tabārshanāsī Rivayat Sajdeh Zan bar Shawhar dar Jāwāmī" Rivā'ī Ma-taqaddim-i Imāmīyah", Ḥadīth-Pazhūhī, Year 8, Series 16, pp. 51-74.
- Īzādī, Maḥdī; Shīrẓād, Muḥammad Ḥusayn and Shīrẓād, Muḥammad Ḥasan (1396 SH): "Imkān-Sanjī Šudūr Ḥadīth-i Sajdah Zan bar Shawhar: Naqd Matnī Sāthī (Zabānī, 'Adabī va Farhangī)", Ulūm-i Ḥadīth, Year 22, Series 84, pp. 79-101.
- Jalīlī, Sayyid Hidāyat and 'Asgarī, Ansīyah (1393 SH): "Tafsīr Muqāran/ Taṭbīqī; Fara-Zabānī Laghzān wa Larzān", Pazhūhishnāmeḥ-i Tafsīr wa Zabān-i Qur'ān, Year 2, Series 4, pp. 67-84.
- Jassās, Aḥmad ibn 'Alī (1405 AH): "Aḥkām al-Qur'ān", editor: Muḥammad Šādiq Qamḥawī, Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
- Javādī Āmulī, 'Abdullāh (1389 SH): "Tasnīm" Qom: Markaz-i Nashr-i Isrā'.
- Jorjānī, Abū al-Faṭḥ ibn Maḥdūm (1404 AH): "Tafsīr Shāhī (Āyāt al-Aḥkām)", editor: Walīy Allāh Ishrāqī Sarābī, Tehran: Intishārāt-i Navīd.
- Kāshifī, Ḥusayn ibn 'Alī (1369 SH): "Mawāhib 'Alīyyah", Tehran: Iqbāl.
- Khālīdī, Šalāḥ 'Abd al-Fattāḥ (1433 AH): "Al-Tafsīr al-Mawḍū'ī Bayn al-Nizāriyya wa al-Taṭbīq", Jordan: Dār al-Nafā'is.
- Khaṭīb, 'Abd al-Karīm (1424 AH): "Al-Tafsīr al-Qur'ānī li-l-Qur'ān", Beirut: Dār al-Fikr al-'Arabī.
- Khāzin, 'Alī ibn Muḥammad (1415 AH): "Lubāb al-Tawīl fī Ma'ānī al-Tanzīl (Tafsīr al-Khāzin)", editor: 'Abd al-Salām Muḥammad 'Alī Shāhīn, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah.
- Kīā Harāsī, 'Alī ibn Muḥammad (1405 AH): "Aḥkām al-Qur'ān", editor: Mūsā Muḥammad 'Alī and 'Izzat 'Abd 'Atīyyah, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah.
- Kulaynī, Muḥammad ibn Ya'qūb (1407 AH): "Al-Kāfī", editor: 'Alī Akbar Ghifārī, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah.
- Kūmī, Aḥmad Sayyid (1402 AH): "Al-Tafsīr al-Mawḍū'ī li-l-Qur'ān al-Karīm", Cairo: Dār al-Hudā.
- Makārim Shīrāzī, Našīr et al. (1374 SH): "Tafsīr-e Nemūneh", Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah.
- Makki ibn Abi Ṭālib (1429 AH): "Al-Hidāyah ilā Bulūgh al-Nihāyah fī 'Ilm Ma'ānī al-Qur'ān va Tafsīrihi", Sharjah: University of Sharjah.
- Manouchehriān, Mehrangiz (1342 SH): "Intiqād-i Qavānīn-i Asāsī va Madanī va Keyfarī-i Irān az Naẓar-i Ḥuqūq-i Zan", Tehran: Sāzēmān-e Dāvṭalabān-e Ḥimāyat-e Khānuvādeh.
- Marāghī, Aḥmad Muṣṭafā (1985): "Tafsīr al-Marāghī", Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
- Māwardī, 'Alī ibn Muḥammad (N.D): "Al-Nukt wa al-'Uyūn", editor: Sayyid ibn 'Abd al-Maqṣūd ibn 'Abd al-Raḥīm, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah.

- Meybodi, Rashid al-Din Abolfazl (1371 SH): "Kashf al-Asrār wa 'Uddat al-Abrār", editor: Ali Asghar Hikmat, Tehran: Amir Kabir.
- Molla Huweish Āl Ghāzi, AbdulQadir (1382 AH): "Bayān al-Ma'ānī 'alā Ḥasab Tartīb al-Nuzūl", Damascus: al-Taraqqi Publishing House.
- Moqaddas Ardabili, Ahmad (1386 AH): "Zubdat al-Bayān fī Ahkām al-Qur'ān", editor: Muhammad Baqir Behbudi, Tehran: Ketābfurushi Mortazavi.
- Moslihi, Javad, Nourian, Sajad (1399 SH): "Rābīteh-e Feminism va Qur'ān bā ta'kīd bar Āyeh Qavwāmūn", Qur'ān va 'Ilm Journal, 14(27), 131-156. doi: 10.22034/qve.2021.5365
- Mousavi Moqaddam, Seyed Mohammad, Modarresi Mosalla, Seyede Mansoureh (1398 SH): "Barresi-e Maqāleh 'Nikāh va Ṭalāq' az Dā'irat Ma'ārif-i Qur'ān-i Leiden" Qur'ān-Pazhūhi Khāvarshanāsān, 14(26), 157-175. doi: 10.22034/qkh.2019.2746
- Mughniyah, Muhammad Jawad (1425 AH): "Al-Tafsīr al-Mubīn", Qom: Dār al-Kitāb al-Islāmī.
- Muslim, Muṣṭafā (1426 AH): "Mabāhiṭh fī al-Tafsīr al-Mawḍū'ī", Damascus: Dār al-Qalam.
- Najjārzādegān, Fathollah (1383 SH): "Tafsīr-e Tatbīqī", Qom: Markaz Jahāni-e 'Ulūm-e Islāmī.
- Nizām A'raj, Hassan ibn Muḥammad (1416 AH): "Gharā'ib al-Qur'ān wa Raghā'ib al-Furqān", editor: Sheikh Zakariyya Umayrat, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah.
- Pākatchī, Ahmad (1391 SH): "Ravesh-i Taḥqīq bā Takyeḥ bar Ḥawzeh 'Ulūm-i Qur'ān va Ḥadīth", Tehran: Imām Šādiq ('A) University.
- Panipati, Tanāullah (1412 AH): "Al-Tafsīr al-Maẓharī", editor: Ghulām Nabī Ṭūnsī, Kuwait: Maktabat Rushdiyyah.
- Qannūjī, Muḥammad Šiddīq Khān (1412 AH): "Faṭḥ al-Bayān fī Maqāšid al-Qur'ān", Beirut: Al-Maktabah al-'Ašriyyah.
- Qirā'afī, Muḥsin (1383 SH): "Tafsīr Nūr", Tehran: Markaz-i Farhangī Dars-hā'ī az Qur'ān.
- Qummī Mashhadī, Muḥammad ibn Muḥammad Reza (1368 SH): "Kanz al-Daqa'iq wa Baḥr al-Gharā'ib", editor: Ḥusayn Dargāhī, Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Islamic Guidance.
- Qummī, 'Alī ibn Ibrāhīm (1404 AH): "Tafsīr Qummī", editor: Sayyid Ṭayyib Mūsawī Jazā'irī, Qom: Dār al-Kitāb.
- Qurashī, Sayyid 'Alī Akbar (1371 SH): "Tafsīr Aḥsan al-Ḥadīth", Tehran: Bunyād-i Bi'that.
- Qurtubī, Muḥammad ibn Ahmad (1364 SH): "Al-Jāmi' li-Aḥkām al-Qur'ān", Tehran: Intishārāt Nāšir-i Khusrōw.
- Qutb Rāwandī, Sa'īd ibn Hibat Allāh (1405 AH): "Fiqh al-Qur'ān", Qom: Library of Ayatollah Marāshi Najafī (RA).
- Reza'i Haftador, Hasan, and Raji, Marzieh (1402 SH): "Naqd Ārā-i Muštashriqān dar Mawrid Jāyigāh-i Zan dar Islām dar Muqāyisah bā Dīdgāh-i Maqām-i Mu'azzam Rahbarī" Qur'ān Pizhūhi Khāvarshanāsān, 18, 35, 1402, pp. 39-74. doi: 10.22034/jqopv.2024.9094
- Riḍā, Muḥammad Rashīd (1990): "Al-Manār", Cairo: Al-Hay'ah al-Miṣriyyah al-'Āmmah lil-Kitāb.
- Rūmī, Fahd ibn 'Abd al-Raḥmān (1419 AH): "Buḥūth fī Uṣūl al-Tafsīr wa Manāhiḥ", Riyadh: Maktabat al-Tawbah.
- Šābūnī, Muḥammad 'Alī (1417 AH): "Šafwat al-Tafāsīr", Cairo: Dār al-Šābūnī.
- Šādiqī Tehrānī, Muḥammad (1365 SH): "Al-Furqān fī Tafsīr al-Qur'ān bi-l-Qur'ān wa al-Sunnah", Qom: Farhang-i Islāmī.
- Šaffār, Muḥammad ibn Ḥasan (1404 AH): "Bašā'ir al-Darajāt fī Faḍā'il Āl Muḥammad (SA)" editor: Muḥsin Kūchihbāghī, Qom: Library of Ayatollah Marāshi Najafī (RA).

- Sayyid Qutb (1412 AH): "Fī Zilāl al-Qur'ān", Beirut: Dār al-Shurūq.
- Shanqīṭī, Muḥammad ibn Muḥammad (1415 AH): "Aḍwā' al-Bayān fī Ḍdāḥ al-Qur'ān bi-l-Qur'ān", Beirut: Dār al-Fikr.
- Sharīf Lāhījī, Muḥammad ibn 'Alī (1373 SH): "Tafsīr Sharīf Lāhījī", Tehran: Nashr Dād.
- Shawkānī, Muḥammad ibn 'Alī (1414 AH): "Fath al-Qadīr", Damascus/Beirut: Dār Ibn Kathīr/Dār al-Kalam al-Tayyib.
- Shaykh 'Alwān, Ni'mat Allāh ibn Maḥmūd (1999 CE): "Al-Fawātiḥ al-Ilāhiyyah wa al-Mafāṭiḥ al-Ghaybiyyah", Egypt: Dār Rukābī.
- Shirzad, Muḥammad Husayn, Shirzad, Muḥammad Ḥasan, and Hidayatzadeh, Muḥammad Ṣadiq (1395 SH): "Rahiyāfī Zabān-shanākhtī bih Barābarī-i Jinsīyatī dar Qur'ān-i Karīm; Naqdī bar Feminism-i Islāmī," Muṭāla'āt-i Qur'ān va Ḥadīth, Year 9, Series 18, pp. 123-148.
- Shubbar, Sayyid 'Abd Allāh (1407 AH): "Al-Jawhar al-Thamīn fī Tafsīr al-Kitāb al-Mubīn", Kuwait: Maktabat al-Alfayn.
- Suyūṭī, 'Abd al-Raḥmān ibn Abī Bakr (1404 AH): "Al-Durr al-Manthūr fī Tafsīr al-Māthūr", Qom: Library of Ayatollah Marāshī Najafī (RA).
- Ṭabarī, Muḥammad ibn Jarīr (1412 AH): "Jāmi' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān", Beirut: Dār al-Ma'rifah.
- Ṭabarsī, Faḍl ibn Ḥasan (1372 SH): "Majma' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān", Tehran: Nāshir-i Khusrow.
- Ṭabāṭabā'ī, Sayyid Muḥammad Ḥusayn (1417 AH): "Al-Mizān fī Tafsīr al-Qur'ān", Qom: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī.
- Ṭayyib Ḥusaynī, Sayyid Maḥmūd (1389 SH): "Tafsīr Ṭaṭbīqī," Dā'irat al-Ma'ārif-i Qur'ān-i Karīm", Qum: Bustān-i Kitāb, eighth edition.
- Ṭayyib, Sayyid 'Abd al-Ḥusayn (1378 SH): "Aṭyab al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān", Tehran: Intishārāt Islām.
- Tha'labī, Aḥmad ibn Ibrāhīm (1422 AH): "Al-Kashf wa al-Bayān 'an Tafsīr al-Qur'ān", Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī.
- Thaqafī Tehrānī, Muḥammad (1398 AH): "Tafsīr Ruwān Jāwīd", Tehran: Burhān.
- Tirmidhī, Muḥammad ibn 'Īsā (1395 AH): "Al-Sunan", Egypt: Maktabat Muṣṭafā al-Bābī.
- Wāhidi, Ali ibn Aḥmad (1415 AH-a): "Al-Wajīz fī Tafsīr al-Kitāb al-'Azīz", editor: Safwān Adnān Dawoodi, Damascus/Beirut: Al-Dār al-Shāmīyah/Dār al-Qalam.
- Wāhidi, Ali ibn Aḥmad (1415 AH-b): "Al-Wasīt fī Tafsīr al-Qurān al-Majīd", editor: Ādil Aḥmad Abdulmawjūd et al., Beirut: Dār al-Kutoub al-'Ilmiyyah.
- Zajjāj, Ibrāhīm ibn al-Sarrī (1408 AH): "Ma'ānī al-Qur'ān wa I'rābuh", Beirut: 'Ālam al-Kutub.
- Zuhaylī, Wahbah ibn Muṣṭafā (1422 AH): "Al-Tafsīr al-Wasīṭ", Beirut/Damascus: Dār al-Fikr al-Mu'āshir/Dār al-Fikr.